الله فقط به پیامبرش اجازه داده است نه به شما؛ و به من هم در بخشی از روز چنین اجازه ای داده است. از امروز حرمت آن، مانند دیروز می باشد. (آنچه گفتم) باید حاضران به غائبان ابلاغ کنند.

از ابوشریح خُوَيْلِدِ بن عمرو خزاعی عدوی رضی الله عنه روایت است که وی به عمرو بن سعید عاص - که به سوی مکه لشکرکشی می کرد - گفت: ای امیر، به من اجازه بده تا حدیثی را برای تو روایت کنم که رسول الله صلی الله علیه وسلم روز بعد از فتح مکه فرمود و با گوش های خودم شنیدم و حفظ نمودم و به هنگام بیان آن نظاره گر بودم؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم حمد و ثنای الله متعال گفت و سپس فرمود: «إِنَّ مَكَّةَ حَرَّمَهَا اللَّهُ تَعَالَى، وَلَمْ يُحَرِّمْهَا النَّاسُ، فَلا يَحِلُّ لامْرِئٍ يُؤْمِنُ بِاَللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ: أَنْ يَسْفِكَ بِهَا دَماً، وَلا يَعْضِدَ بِهَا شَجَرَةً، فَإِنْ أَحَدٌ تَرَخَّصَ بِقِتَالِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و سلم فَقُولُوا: إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذِنَ لِرَسُولِهِ وَلَمْ يَأْذَنْ لَكُمْ، وَإِنَّمَا أَذِنَ لي سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ، وَقَدْ عَادَتْ حُرْمَتُهَا الْيَوْمَ كَحُرْمَتِهَا بِالأَمْسِ، فَلْيُبْلِغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ»: «مکه جایی است که الله آن را حرام قرار داده است نه مردم. برای کسی که به الله و روز قیامت ایمان دارد، خونریزی در آن و قطع درختی از آن حلال نیست. اگر کسی با استدلال به عمل رسول الله صلی الله علیه وسلم، به خود اجازه ی چنین کاری دهد، به او بگویید: الله فقط به پیامبرش اجازه داده است نه به شما؛ و به من هم در بخشی از روز چنین اجازه ای داده است. از امروز، حرمت آن مانند دیروز می باشد. (آنچه گفتم) باید حاضران به غائبان ابلاغ کنند». به ابوشریح گفته شد: عمرو بن سعید به تو چه گفت؟ گفت: ای ابوشریح، من از تو به این مساله آگاه ترم؛ حرم هیچ مجرم و قاتل و خرابکاری را پناه نمی دهد.

[صحیح است] [متفق علیه]

وقتی عمرو بن سعید بن عاص معروف به اشدق تصمیم داشت لشکری را برای جنگ با عبدالله بن زبیر رضی الله عنهما به سوی مکه ی مکرمه روانه کند؛ - آنگاه که امیر و فرمانده ی یزید بن معاویه در مدینه ی منوره بود؛ - ابو شُرَيْحٍ خویلد بن عمرو خزاعی رضی الله عنه نزد وی حاضر می شود تا او را در این زمینه نصیحت کند؛ و چون فردی که قصد نصیحتش را دارد، از جاه و مقامی برخوردار است، به نرمی و مهربانی با وی سخن می گوید؛ و این از حکمت و دانایی ابوشریح بوده است؛ چون به کار بردن چنین اسلوبی در نصیحت، احتمال پذیرفته شدن آن را بالا می برد و امنیت ناصح را تامین می کند. به این ترتیب عمرو بن سعید به وی اجازه می دهد تا او را در مورد تصمیمی که گرفته و در آن عجله هم دارد، نصیحت کند؛ بنابراین ابوشریح در صحت حدیثی که می خواهد برای او روایت کند تاکید نموده و او را از راستیِ آن مطمئن می کند که خود آن را شنیده و حفظ نموده و هنگام بیان آن توسط رسول الله صلی الله علیه وسلم شاهد بوده است؛ به این ترتیب عمرو بن سعید به وی اجازه ی سخن گفتن می دهد و ابو شریح می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم در صبح فتح مکه، بعد از حمد و ثنای الله متعال فرمود: «الله متعال روزی که آسمان ها و زمین را آفرید، مکه را حرام نمود. و به این ترتیب عظمت مکه و احترام آن را بیان داشت؛ و این مردم نبودند که محدوده ی آن را مانند چراگاه موقت و آب ها حرام کرده باشند؛ بلکه الله متعال آن را حرام کرده است؛ بنابراین چون قدمت تحریم آن به این مدت طولانی بازمی گردد، برای هرکس که به الله و روز قیامت ایمان دارد – اگر مراقب ایمان خود می باشد – حلال نیست که در مکه خونی بریزد و درختی از آن را قطع کند؛ و هرکس برای این کار به جنگ من در روز فتح مکه استدلال کند، به او بگویید: تو همچون رسول الله صلی الله علیه وسلم نیستی؛ برای او به این کار اجازه داده شد و به تو اجازه ی چنین کاری داده نشده است. و بلکه برای رسول الله صلی الله علیه وسلم هم برای همیشه اجازه ی جنگ در آن داده نشده است بلکه تنها بخشی از روز و به قدر نیاز بوده است؛ و حرمت آن دوباره جاری گشته است؛ و این مساله را باید حاضران به غائبان برسانند. ای امیر، به همین دلیل آن را به تو رساندم، چون در صبح فتح مکه خود شاهد این سخنان بودم و تو حضور نداشتی. پس از

این مردم به ابوشریح گفتند: عمرو چه پاسخی به تو داد؟ ابوشریح گفت: چنین پاسخم را داد: «ای ابوشریح، من از تو به این مساله آگاه ترم، حرم هیچ مجرم و خرابکاری را پناه نمی دهد». و به این ترتیب حدیث را با رای و نظر خود تفسیر نمود و حدیث مذکور او را از فرستادن لشکرها برای جنگ با ابن زبیر باز نداشت، بلکه کار خود را کرد.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/4491